

اغاز با نام، یاد و عنایت الهی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛

آغاز بنام خدا (خدایی که آغاز هستی به اوست)، خداوند بخشنده و مهربان.

تجلى اول:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَفْظَمِ (الْأَعْظَمُ الْأَجَلُ الْأَكْرَمُ، الَّذِي إِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى مَفَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ، وَ إِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى مَضَائقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَاجِ انْفَرَجَتْ، وَ إِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لِلْيُسْرَ تَيَسَّرَتْ، وَ إِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ اتَّسَرَتْ، وَ إِذَا دُعِيَتْ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضُّرُّاءِ انْكَشَفَتْ؛

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به نام بزرگت آن نام که بسی بزرگتر و با عزت و جلال و گرامی ترین نامهاست؛ آن نامی که هرگاه به آن خوانده شوی برای گشایش درهای بسته‌آسمان به رحمت و برکت گشوده گردد و هرگاه خوانده شوی بر مشکلات و تنگناهای حوادث روی زمین به فراخی و سهولت مبدل گردد و چون خوانده شوی بر هر کار دشوار عالم سهل و آسان گردد و چون برای زنده شدن مردگان به آن نام خوانده شوی همه زنده شوند و چون برای دفع غم و درد و مصیبتها خوانده شوی همه برطرف شود.

تجلى دوم:

(اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ...) وَ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَكْرَمِ الْوُجُوهِ وَ أَعْزَزِ الْوُجُوهِ، الَّذِي هَنَّتْ لَهُ الْوُجُوهُ، وَ خَضَعَتْ لَهُ الرُّقَابُ، وَ خَشَعَتْ لَهُ الْأَصْنَوَاتُ، وَ وَجَلَتْ لَهُ الْقُلُوبُ مِنْ

مَخَافَتِكَ؛

(خدایا) از تو درخواست می‌کنم به اسمت...) و به جلال ذات بزرگوارت سوگندت می‌دهم - که مکرم ترین و با عزت‌ترین ذوات است - آنچنان عظمت و شکوه و قویی که جمیع ذات‌ها برای او ذلیل و منقاد است، و گردن‌ها پیشش خاضع است و از هیبتش صدایها خاموش است و از ترسش دلها در هراس است...

تجلی سوم:

وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ السَّمَاوَاتَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا يَادِنْكَ وَ
تُمْسِكُ السَّمَاوَاتَ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا؟

و قسم به قوت و قدرت که آسمان را از افتادن بر زمین نگاه می‌دارد، جز آنکه اراده تو باشد و آسمانها و زمین را از زوال و فنا حفظ می‌کندا

تجلی چهارم:

وَبِمَشِيتِكَ الَّتِي دَانَ (کان) لَهَا الْعَالَمُونَ (العالموں) وَبِكَلِمَتِكَ
الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا السَّمَاوَاتَ وَالْأَرْضَ ...؟

و سوگند به مشیت که جهانها (یا علما و دانشمندان) در مقابلش ذلیل و مطیع هستند و به آن کلمهات که بدان آسمانها و زمین را خلق کردی...

تجلی پنجم:

وَبِحُكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَابَ وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَ
جَعَلْتَهَا لَيَلًا وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا (مسکنا)، وَخَلَقْتَ بِهَا النُّورَ وَ
جَعَلْتَهُ نَهَارًا وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُورًا مُبْصِراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الشَّمْسَ وَ
جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضَيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ الْقَمَرَ نُورًا...؟

و به حکمت بالغهات که (اسرار) عجائب عالم را بدان ساختی و هم به حکمت تاریکی را خلق نمودی و آن را شب عالم و شب را زمان آرامش خلق

قرار دادی و بدان روشنی را آفریدی و آن را روز جهان و سبب بینش برای کار و جنبش مخلوقات گردانیدی و خورشید را بدان حکمت آفریدی و آن را فروزان کردی و بدان حکمت قمر را خلق کردی و آن را نور قرار دادی...

تجلی ششم:

وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُومًا وَبُرُوجًا وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً
وَرُجُومًا، وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَمَغَارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَ
مَجَارِيَ وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكًا وَمَسَابِيحَ وَقَدَرَتْهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ،
فَأَخْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا وَصَوْرَتْهَا فَأَخْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا؛
وَأَخْصَيْتَهَا بِاسْمَائِكَ إِخْصَاءً وَدَبَرَتْهَا بِحِكْمَتِكَ تَذَبِيرًا وَأَخْسَنْتَ
(فَأَخْسَنْتَ) تَذَبِيرَهَا؛

وَسَخَرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّيلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ وَعَدَدِ (وَ
عَرَفْتَ بِهَا عَدَدَ) السَّنِينَ وَالْحِسَابِ وَجَعَلْتَ رُؤُيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ
مَرْأَى وَاحِدًا...؛

و ستارگان و کواكب را به حکمت آفریدی و آنها را به قسمتهایی مقدور و بروجی مخصوص معین کردی و چراغها نمودی و زیور و رجم اوهام خلق ساختی.

و مشرق و مغربها برای آن مقرر فرمودی و محل طلوع و سیر آن را و مدار حرکت و شناوری آنها را در این دریای بی کران تعیین کردی.

و در آسمان منازل و مدارج هر یک منظم داشتی و همه را نیکو مقدر ساختی و به صورتهای زیبا آفریدی.

و به نامهای مبارک خود آنها را کاملاً به شمار آوردی و به حکمت و عنایت به نیکوترين تدبیر نظام فلک را منظم نمودی.

و دو آیت بزرگ شب و روز (به حرکتی منظم) مسخر کردی؛ اوقات و

شماره‌ی (ماه و) سال را و حساب کار را بدان منوط ساختی و همه‌ی خلق را در دیدن آن یکسان قرار دادی.

تجلی هفتم:

وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى
بْنَ عُمَرَانَ الْمُطَهَّرِ فِي الْمَقْدَسِينَ، فَوْقَ إِحْسَاسِ (أَخْسَاسِ) الْكَرُوِينَ
(الْكَرُوِيْسِينَ)، فَوْقَ غَمَائِمِ النُّورِ، فَوْقَ تَأْبُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ
النَّارِ؛

وَفِي طُورِ سِينَاءَ، وَفِي (إِلَى) جَبَلِ حُورِيَّثَ، فِي الْوَادِ الْمَقْدَسِ
فِي الْبَقْعَةِ الْمَبَارَكَةِ، مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ، مِنْ الشَّجَرَةِ؛
وَفِي أَرْضِ مِصْرِ يَتَسْعُ آيَاتِ يَسْنَاتِ، وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبْنِي إِسْرَائِيلَ
الْبَحْرَ؛

وَفِي الْمُنْبَجَسَاتِ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَابَ فِي بَحْرِ سُوفَ، وَ
عَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحَجَارَةِ، وَجَاؤَتْ يَسْنَيِ
إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَتَمَّتْ كَلْمَتُكَ الْحَسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا، وَ
أَوْزَعْتَهُمْ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ، وَ
أَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَجُنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ...؛

و باز ای خدا! از تو درخواست می‌کنم به مجد و عظمت که به آن، در میان ملاتکه‌ی قدوسی با بنده و رسولت موسی بن عمران مطهّر در مقامی فوق ادراک فرشتگان کرویی و فوق ابرها و حجاب‌های نور و فوق صندوق شهادت در عمودی از آتش، سخن گفتی؛

و هم در کوه طور سیناء و در کوه حوریث - که نخستین بار آنجا به موسی وحی فرستادی - در وادی مقدس در بقعه‌ی مبارکه‌ی طور ایمن، و باز در

سرزمین مصر با آن معجزه‌ی روشن و معروف و باز در روزی که دریا را برای بنی اسرائیل شکافتی...

و باز در جوشش و انفجار (دوازده چشمی آب از سنگ) که معجزات عجیبی در دریای سوف هویدا ساختی و آب را در لجه‌ی دریا مانند سنگ گردانیدی و بنی اسرائیل را از آن (دریا) مانند خشکی بگذارنیدی و کلمه‌ی نیکوی (حسن قضای) خود را درباره‌ی آن قوم به واسطه‌ی صبر و ثبات آنها در دین خدا کامل فرمودی و آنها را وارث و مالک شرق و غرب زمین (مصر و شامات) که با برکت بر اهل عالم است، گردانیدی و فرعون و سپاه و مرکبها و قومش را غرق دریای هلاک ساختی!!

تجلی هشتم:

وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ (الْأَعَزُّ الْأَجَلُ الْأَكْرَمِ...؛
و باز سوگند به نام بزرگت و بزرگتر و با عزت و جلالتر و گرامی‌ترین نام...

تجلی نهم:

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِمُوسَى كَلِيمَكَ عَلَيْهِ الْكَلَالَا فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَ
لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ الْكَلَالَا خَلِيلَكَ مِنْ قَبْلٍ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَلِإِسْحَاقَ
صَفِيكَ عَلَيْهِ الْكَلَالَا فِي بَثْرِ شَيْعَ (شیع)، وَلِيَعْقُوبَ نَبِيكَ عَلَيْهِ الْكَلَالَا فِي بَيْتِ إِيلِ،
وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ الْكَلَالَا بِمِيَاثِيكَ وَلِإِسْحَاقَ بِحَلْفَكَ وَلِيَعْقُوبَ
بِشَهَادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَلِلَّدَاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَاجْبَتَ...؛

و به مجده و عظمت که با آن برای موسی کلیمت علیه السلام در طور سینا تجلی کردی و پیش از او برای ابراهیم خلیلت علیه السلام در مسجد خیف و برای اسحاق صفوی با خلوصت علیه السلام در چاه شیع و برای یعقوب پیغمبرت علیه السلام در بیت ایل تجلی کردی و به آن مجده و عظمت که بدان برای ابراهیم خلیل و فای به عهد و میثاق نمودی و برای اسحاق علیه السلام به سوگند و برای یعقوب به گواهی و برای مؤمنان

عالِم به وعده‌هایت وفا کردی و برای دعا کنندگان به نام‌های مبارکت اجابت
فرمودی ...

تجلى دهم:

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ... أَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ مُلَكَّلا بِمِيثَاقِكَ وَلِإِسْحَاقَ
بِحَلْقَكَ وَلِيَغْنُوبَ بِشَهَادَتِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ وَلِلْدَاعِينَ
بِأَسْمَائِكَ فَاجْبَتَ...؛

و به آن مجد و عظمت که بدان برای ابراهیم خلیل مُلَكَّلا و فای به عهد و میثاق
نمودی ...

و برای اسحاق مُلَكَّلا به سوگند و برای یعقوب مُلَكَّلا به گواهی و برای مؤمنان عالم
به وعده‌هایت وفا کردی و برای دعا کنندگان به نام‌های مبارکت اجابت
فرمودی

تجلى یازدهم:

وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ عِمْرَانَ مُلَكَّلا عَلَى قَبْةِ الرُّمَانِ
(الزَّمَان) (الْهَرَمَان)؛

وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعَتْ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْفَلَبَةِ بِآيَاتِ
عَزِيزَةٍ وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ؛
و به آن مجد و عظمت که بر موسی بن عمران مُلَكَّلا در قبه رمان (جایگاه
عبادتش)، پدید آمد.

و به آن معجزاتی که در سرزمین مصر آشکار شد با بزرگی و عزت و غلبه (بر
دشمنان) به معجزات بزرگ و ادله قوی و قدرت با عزت و باز به عزت توانا.

تجلی دوازدهم:

وَبِشَانِ الْكَلْمَةِ التَّائِمَةِ وَبِكَلْمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ بِهَا عَلَى أَهْلِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَأَهْلِ الْآخِرَةِ؛

و به شان (و مقام) کلمه‌ی کامل و به آن کلماتی که تفضل نمودی به آنها برای
أهل آسمانها و زمین و اهل دنیا و اهل آخرت.

تجلی سیزدهم:

وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَّتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي
أَقْمَتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمَيْنِ؛

و به آن رحمت (واسعه) که بدان بر جمیع خلق منت گذاردي و به استطاعت و
قدرتی که بر عالمیان به آن اقامه (حجت) نمودی.

تجلی چهاردهم:

وَبِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقْمَتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمَيْنِ؛
خَدِّيَا تَوْ رَا بِهِ اسْتِطَاعَتْ قَسَمَتْ مِنْ دَهْمِ كَهْ اقَامَهْ نَمُودَيْ بِآنِ عَالَمَيْنِ رَا.

تجلی پانزدهم:

وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَزَعِهِ طُورُ سِينَاءَ...؛
و به آن نورت که کوه طور از دهشت آن، مدهوش در افتاد (و متلاشی شد).

تجلی شانزدهم:

وَبَعْلَمَكَ وَجَلَالَكَ وَكِبْرِيَائِكَ وَعِزَّكَ وَجَبَرُوتِكَ الَّتِي لَمْ
تَسْتَقْلِهَا الْأَرْضُ وَأَنْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَاوَاتُ؛ وَأَنْزَجَرَ لَهَا الْعُمَقُ
الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبالُ؛ وَ

سَكَنَتْ لَهَا الْأَرْضُ بِعَنَاكِبِهَا؛ وَ اسْتَلْمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ كُلُّهَا؛ وَ
خَفَقَتْ لَهَا الرِّيَاحُ فِي جَرَانِهَا؛ وَ حَمَدَتْ لَهَا النَّبِرَانُ فِي

أُوْطَانِهَا...؛
خدایا از تو درخواست می کنم به نام بزرگ تو آن نام که بسی بزرگتر و با
عزت و جلال و گرامی ترین نام هاست ... و به علم و جلال بزرگی و
بزرگواری و سطوت و جبروت که در مقابلش زمین به پا نماند و آسمان ها به
زیر افتاد.

و عمق اکبر (اقیانوس بی کران عالم) از ترس آن مضطرب و مت混淆 گردداد و
دریاها و نهرها از جنبش باز ماند و کوهها فرو افتاد.
و زمین با همهی پستی و بلندی هایش از حرکت باز ایستاد و خلائق همگی
تسليم آن شوند.

و بادها در جریانشان از هم مضطرب گردند و آتشها در آتشکده ها خاموش
شوند.

تجلى هقدهم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... بِسُلْطَانِكَ الَّذِي هُرِقتَ لَكَ بِهِ الْغَلَبةُ دَفْرَ
الدُّهُورِ وَ حُمْدَتَ بِهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَينَ؛
خدایا از تو درخواست می کنم به آن سلطنت و پادشاهی ات که به واسطهی آن
سلطنت، شناخته و معروف شد برای تو، قهر و غلبه (بر همهی قوای عالم) در
روزگاران بی پایان و به واسطهی آن سلطنت، در آسمان ها و زمین ها ستایش
گردیدی.

تجلى هجدهم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ ... بِكَلْمَتِكَ كَلِمَةِ الصِّدْقِ الَّتِي سَبَقَتْ لِأَيْنَا
آدَمَ طَلَّا وَ ذُرِّتْهُ بِالرَّحْمَةِ؛

خدایا از تو در خواست می کنم به آن کلمه‌ات، کلمه‌ی صدق، آنچنان کلمه‌ایی که سبقت یافت بر پدر ما آدم ﷺ و فرزندانش به لطف و رحمت.

تجلی نوزدهم:

وَ أَسْأَلُكَ بِكَلْمَتَكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ؛

و باز ای خدا از تو درخواست می کنم به آن کلمه‌ای که بر همی عالم غالب است.

تجلی بیستم:

وَ بُنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيَتْ بِهِ لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكَّاً وَ خَرَّ مُوسَى
صَعْقاً؛

خدایا از تو درخواست می کنم به آن نور ذات مقدس، به نور وجهت، به آن نور وجهی که تجلی نمودی با آن به کوه طور و آن را متلاشی ساختی و موسی بیهوش بر زمین افتاد!!

تجلی بیست و یکم:

وَ (أَسْأَلُكَ) بِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ، فَكَلَمْتَ بِهِ عَبْدَكَ
وَ رَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عَمْرَانَ؛

و خدا ای از تو درخواست می کنم به مجد و بزرگی ات که در طور سینا ظاهر شد و به آن، با بندی خود و رسولت موسی بن عمران، سخن گفتی...

تجلی بیست و دوم:

وَ (أَسْأَلُكَ) بِطَلْعَتَكَ فِي سَاعِيرَ وَ ظَهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبِّوَاتِ
الْمُقَدَّسِينَ وَ جُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ وَ خُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ
الْمُسْبِحِينَ؛

و خدایا از تو درخواست می‌کنم به طلوع نورانیات که در ساعیر (جایگاه مناجات عیسی) و به ظهورت که در کوه فاران (در نزدیکی مکه بر خاتم رسولان) در مقامات عالیه‌ی قدسیان و سپاه صفت زده‌ی فرشتگان و ملاتکدی با خشوع و تسبیح و تقدیس گویان، انجام یافت.

تجلی بیست و سوم:

وَبِرَّكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَكَ فِي أُمَّةِ
مُحَمَّدٍ؛ وَبَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَفِيكَ فِي أُمَّةِ عِيسَى الْمَسِيحِ؛ وَ
بَارَكْتَ لِيَقْنُوبَ إِسْرَائِيلَكَ فِي أُمَّةِ مُوسَى الْمَهْلَكِ؛ وَبَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ
مُحَمَّدَ فِي عَتْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَ(فِي) أُمَّتِهِ؛

و به برکات کاملی که به واسطه‌ی ابراهیم خلیلت للہ علیہ السلام در امت محمد صلی اللہ علیہ وسلم برکت و رحمت عطا کردی.

و بواسطه اسحق با اخلاص در امت عیسی للہ علیہ السلام برکت و رحمت فرستادی.

و بواسطه یعقوب بنده خاصت در امت موسی للہ علیہ السلام برکت دادی.

و از همه کاملتر به آن برکت و رحمتی که بواسطه حبیب خود حضرت محمد صلی اللہ علیہ وسلم در میان عترت و ذریت و امتش عطا فرمودی.

تجلی بیست و چهارم:

اللَّهُمَّ وَ كَمَا غَبَنا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ وَأَمَّا بِهِ وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَ
عَدْلًا أَنْ تُصْلِيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ وَأَنْ تُبَارِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ وَتَرَحَّمَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ؛ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَبْحَدٌ
فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (شَهِیدٌ)؛

خداآندا! چنانکه ما در آن مقامات حاضر نبودیم و مشاهده ننمودیم و به چشم ندیدیم؛ اما به همه از روی صدق و درستی ایمان آوردیم؛ تو ای خدا! درود فرست بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ.

و برکت عطا کن بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ و رحمت فرست بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ بهترین درود و برکت و رحمتی که بر ابراهیم ﷺ و آلس فرستادی.

که تو ستدده صفات و بزرگواری و مقداری که هر چه اراده کنی، انجام می‌دهی و تو بر هر چیز توانایی.

تجلی بیست و پنجم:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَ لَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ؛ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعُلْ بِي مَا أَتَتْ أَهْلَهُ وَ لَا تَفْعُلْ بِي مَا آتَنَا أَهْلَهُ؛

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَ لَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ؛ صَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعُلْ بِي مَا أَتَتْ أَهْلَهُ وَ لَا تَفْعُلْ بِي مَا آتَنَا أَهْلَهُ وَ اغْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقْدِمَ مِنْهَا وَ مَا تَأْخُرُ؛ وَ وَسِعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْفِكَ وَ اكْفُنِي مَثُونَةً إِنْسَانَ سَوْءٍ وَ جَارَ سَوْءٍ وَ قَرِينَ سَوْءٍ وَ سُلْطَانَ سَوْءٍ؛ إِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ فَدِيرٌ وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ أَمِينٌ رَبُّ الْعَالَمِينَ؛

خدایا! به حق این دعای شریف و به حق این نامهای مبارک که به تفسیر آن و باطن معناش کسی آگاه نیست جز تو:

که درود فرست بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ و با من (بنده مسکینت) آن کن که تو را لا یقین است نه آنکه مرا سزاوار است.

خدایا! به حق این دعای شریف و به حق این نامهای مبارک که به تفسیر آن و

باطن معناش کسی آگاه نیست جز تو:

که درود فرست بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ و با من (بنده مسکینت) آن کن
که تو را لایق است نه آنکه مرا سزاوار است و گناهانم از گذشته و آینده همه
را ببخش و روزی وسیع از رزق حلالت مرا نصیب کن و از شر انسان بد و
همایه بد و همنشین بد و سلطان بد، مرا کفایت فرما که تو بر هر چیز توانا و
به همه امور عالم دانایی ای پروردگار عالم این دعا را اجابت فرما!

ملحقات دعا:

در بعض نسخ است که بعد از: «وَ أَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، که هر حاجت
داری ذکر کن و بگو:

يَا اللَّهُ يَا حَنَانُ يَا مَنَانُ يَا بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَ
الْإِكْرَامِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛

ای خدا! ای دوستدار بندگان و نعمت بخش به آنان! ای آفرینشده زمین و
آسمان! ای خدای با جلال و عظمت و بخشش و کرامت! ای مهربان ترین
مهریانان عالم! خدایا به حق این دعای شریف ...

علامه مجلسی از مصباح سید بن باقی نقل کرده که بعد از دعای سمات این
دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ وَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَ
لَا تَأْوِيلَهَا وَ لَا بَاطِنَهَا وَ لَا ظَاهِرَهَا غَيْرُكَ، أَنْ تُصْلِيَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ؛

خدایا! به حق این دعای شریف و به حق این اسماء مقدس که به تفسیر و
تأویلش و به ظاهر و باطنش کسی جز تو آگاه نیست، که درود فرست بر
محمد ﷺ و آل محمد ﷺ و خیر دنیا و آخرت مرا نصیب گردان!

در نهایت دعا حاجات خود را بطلبید و بگوید: